دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی
مطالعات اسلامی زنان و خانواده
سال ۱۲، شماره بیست و سوم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

معناشناسی حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب از منظر کمیته حقوق کودک و نظام حقوقی ایران

منیر حق‌خواه[۱]
نیلوفر منصوری[۲]
فاطمه ابراهیمی ورکیانی[۳]

چکیده

دولت ایران طی ماده‌واحده‌ای، به نحو مشروط، به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شده است. ازطرفی بر اساس نظرات کمیته حقوق کودک، کشورهای عضو نمی‌توانند حق شرط را بر روی مواردی که از اصول کلی حاکم بر کنوانسیون تلقی می‌شود اعمال نمایند. **مسئله اصلی** این است که یکی از این اصول، «اصل احترام به نظرات کودک» است که در مواد ۱۲ تا ۱۴ کنوانسیون منعکس شده است؛ حال آنکه اجرای مفاد این مواد (حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب)، با برخی از الزامات تربیت دینی کودک مغایرت دارد و چالش‌های ناشی از آن در سایه توسعه مفهومی کمیته حقوق کودک، فراتر از قواعد و تفاسیر معاهدات در حقوق بین‌الملل و رو به تزاید است. **یافته‌های پژوهش** حاکی از آن است که تفاوت‌های مبنایی اسلام و اسناد بین‌الملل، منشأ اختلافات جدی در تفسیر واژه‌های «آزادی» و «کودک» و همچنین گستره آزادی کودکان و نوجوانان در انتخاب عقیده و مذهب است و بر اساس حق تحفظ جمهوری اسلامی ایران، برخی از توصیه‌های بین‌الملل، قابل اعمال نیست؛ در**نتیجه** نمی‌توان این سند را به‌عنوان الگوی مناسبی برای جوامع اسلامی به شمار آورد. مقاله پیش رو با **روش** توصیفی و تحلیلی و باهدف بررسی چالش‌های مزبور، به تحلیل معنایی حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب در دو نظام حقوقی اسلام و کنوانسیون پرداخته و به ابهامات و سؤالاتی در این زمینه پاسخ داده است.

واژگان کلیدی: آزادی عقیده کودک، آزادی مذهب کودک، تربیت عقیدتی کودک، آزادی مذهب، کمیته حقوق کودک.

---

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق ﷺ، پردیس خواهران، تهران، ایران (نویسنده‌مسئول)؛ haghkhah@isu.ac.ir.
۲. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق ﷺ، تهران، ایران؛ mansouri@isuw.ac.ir.
۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات خانواده دانشگاه الزهرا ﷺ، تهران، ایران؛ f.ebrahimi@alzahra.ac.ir.
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

۱. مقدمه

مـواد ۱۲ تا ۱۴ کنوانسـیون حقـوق کودک، به حق آزادی عقیده و مذهب کودک اشـاره نموده و جمهوری اسـلامی ایران به طور مشـروط و با حق تحفظ کلی، به این کنوانسیون ملحق شده است؛ لکـن در تفسـیر آن، دو نگـرش وجود دارد. برخی کنشـگران سیاسـی و حقوق‌دانـان و فعالان عرصه بین‌الملل، با موضعی منفعلانه قائلند که باتوجه‌به اینکه جمهوری اسـلامی ایران متعهد به اجرای کنوانسـیون شـده اسـت و معتقدنـد حـق تحفـظ کلـی این تعهـد نمی‌توانـد منافـی بـا روح حاکم بر کنوانسـیون باشـد و اصـل احتـرام به نظـرات و عقاید کودک نیز یکـی از ارکان اصلـی و روح حاکم بر کنوانسـیون به شـمار می‌رود، قوانین کشور می‌بایست در راستای تفسیر موسع کمیته حقوق کودک تدوین شـود و یا در صورت لزوم، مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد. در مقابل، نگرش دیگر این اسـت که تفسیر موسع مفاد کنوانسیون، به‌نوعی ناقض حق تحفظ کلی کشورها در الحاق به این معاهده و همچنیـن ناقـض اصـول معاهـدات قلمداد می‌شـود. با ایـن اوصاف به نظر می‌رسـد کـه عمل بر اسـاس نگرش نخسـت، مسـتلزم چشم‌پوشـی از برخی گزاره‌های فقهی، تربیتی و همچنین مصالح عالیه کودک و به‌طورکلی التزام به نقض شـریعت انور اسـلام بوده و عمل بر اسـاس نگرش دوم نیز همان طور که تاکنون رقم خورده اسـت، موجب ایجاد برخی فشـارها از سـوی نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط برای اجرای مواد مربوط به آزادی کودک و ایجاد چالش‌های حقوقی شده است.

ازآنجاکه با تصویب الحاق جمهوری اسـلامی به این کنوانسـیون، مفاد آن جزء قوانین داخلی نظام اسـلامی اسـت و حق شـرط ایران مبنی‌بر عدم تغایر مفاد کنوانسـیون با قوانین داخلی کشـور نمی‌توانـد به‌صـورت مطلـق، ایـن کنوانسـیون را تقیید بزنـد و کشـورهای عضو حق ندارنـد بر روی مـواردی کـه از اصول کلی حاکم بر کنوانسـیون و به‌نوعی روح حاکم بر کنوانسـیون تلقی می‌شـود، اعمال حق شرط نمایند؛ لازم است حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب تبیین گردد.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسـی و جسـت‌وجوی پژوهش‌های پیشـین در این حوزه می‌توان به مکتوباتی چند اشاره نمود که نویسندگان آن در راستای موضوعات نزدیک به این مقاله قلم آزموده و مواردی را در این موضوع، از مناظر متفاوت منقّح نموده‌اند. از آن جمله می‌توان به: سلیمانی (۱۳۹۵) در مقاله «حق برخـورداری کـودکان از آزادی»، رهایـی (۱۳۸۹) در کتـاب آزادی دینـی از منظر حقـوق بین‌الملل با

نگاهی بـه رهیافـت اسـلامی، کاتوزیـان (۱۳۸۲) در کتاب آزادی بیان و اندیشـه، و آیتـی (۱۳۷۳) در کتـاب آزادی عقیـده و بیـان بـه همراه دو نوشـته حقوقی دیگر اشـاره نمود که تقریبـاً در تمامی این مـوارد، بـه مسـئله حق آزادی عقیـده و مذهب در حقـوق داخلی و اسـناد بین‌المللی پرداخته شـده اسـت. امـا زوایایـی از بحـث، ازجملـه تفاوت معناشناسـی این حق در کنوانسـیون، بـا مفهوم آن در نظـام جمهـوری اسـلامی و همچنیـن ارتبـاط آن با حق کـودک بر تربیـت و آموزش و حـق و تکلیف والدین در قبال تربیت آنان و چالش‌های حقوقی ناشی از آن مسکوت باقی مانده است و این مقاله به این زاویه از بحث پرداخته است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

بیـان مطالـب بـه روش توصیفی ـ تحلیلی اسـت و با اسـتفاده از منابع کتابخانـه‌ای و توصیف معنایی مواد ۱۲ تا ۱۴ کنوانسیون، به تحلیل و مقایسه تفاسیر پرداخته شده است.

۴. یافته‌ها و بحث

۱ـ۴. مفهوم‌شناسی

کـودک: «کـودک»، موضوع اصلی مواد ۱۲ تا ۱۴ کنوانسـیون اسـت و یکـی از چالش‌های اجرایی کشورهایی که به کنوانسیون ملحق شده‌اند تفاوت در معناشناسی کودک است. به طور اجمال ذکر ایـن نکتـه حائز اهمیت اسـت کـه در اصطلاح علوم مختلـف، تعاریف گوناگونـی از واژه کودک ارائه شـده اسـت کـه برخـی از این تعاریـف نیز با یکدیگـر همخوانـی نـدارد و در تعیین بازه سـنی دوران کودکی نیز اختلاف‌نظر وجود دارد. در اصطلاح حقوقی، برخی کودک را مترادف صغیر دانسـته‌اند و بلـوغ را معیـاری برای سـنجش کودکـی می‌دانند (صفایی و قاسـم‌زاده، ۱۳۹۳، ص۱۷۴) و برخی دیگر رشـد عقلـی را مـرز میـان کودکـی و غیـر آن دانسـته‌اند (جعفری لنگـرودی، ۱۳۷۸، ص۴۰۶). از دیـدگاه فقـه نیز به‌طورکلـی بـه فرزند انسـان از زمان تولـد تا ابتدای بلوغ، کـودک یا همان «طفل» اطلاق می‌شـود و بنابر نظر مشـهور فقهای امامیه، کودک کسـی اسـت که به حد بلوغ شـرعی نرسـیده باشـد و پانزده سـال تمام قمری برای پسـران و نه سـال تمام قمری برای دختران، سن بلوغ و تکلیف قلمداد شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج۱، ص۱۴۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج۴، ص۲۶ و حلی، ۱۴۰۵، ج۱، ص۳۶۷).

قانون مدنی ایران نیز به پیروی از نظر مشـهور فقها، در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سـن

بلوغ را در دختران نه سال و در پسران پانزده سال مقرر نموده و ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، میان مفهوم کودک و نوجوان قائل به تفکیک شده است و بنابراین تمامی افراد زیر هجده سال به طور یکسان، کودک فرض نمی‌شوند؛ بلکه طفل به هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است اطلاق شده و هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، نوجوان خوانده می‌شود. اما طبق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، به تمامی افراد زیر سن هجده سال، لفظ کودک اطلاق شده است و همه افراد کمتر از سن هجده سال، از حقوق مندرج در این کنوانسیون، ازجمله حق آزادی عقیده و مذهب برخوردار می‌گردند.

۲ـ۴. معناشناسی حق برخورداری کودک از آزادی عقیده و مذهب از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک

مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون به لحاظ مفهومی دارای ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر هستند و معناشناسی آنها در کنار یکدیگر، به درک بهتر حق برخورداری کودک از آزادی عقیده و مذهب در کنوانسیون حقوق کودک و رویه کمیته حقوق کودک، کمک شایانی می‌نماید.

۱ـ۲ـ۴. مفاد ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک

بند اول ماده ۱۲، از کشورهای عضو می‌خواهد حق اظهارنظر آزادانه کودک در تمام اموری که زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد تضمین نمایند و به نظرات او باتوجه‌به دو مؤلفه «سن» و «بلوغ» اهمیت داده شود. بند دوم نیز این حق را تقویت می‌کند و بر شنیده شدن دیدگاه کودک در هرگونه رسیدگی قضایی و اداری اثرگذار بر زندگی او تأکید دارد (Parkes, 2013, p7). کمیته حقوق کودک تصریح دارد که کودک باید موضوع حق باشد، در زندگی خویش مشارکت فعال داشته باشد و ارزش او نه از باب ترحم یا رویکرد پدرسالارانه، بلکه به‌عنوان صاحب حق به رسمیت شناخته شود. فرهنگ و نگرش‌های سنتی جوامع، موانع اجرای ماده ۱۲ قلمداد شده‌اند (United Nations Children's Fund, 2007, p149).

این ماده با عبارت حقوقی مؤکد «باید تضمین کنند»،[1] دولت‌ها را مکلف به اقدام مضیق برای تحقق کامل این حق کرده است، بی‌آنکه راه گریزی برای صلاحدید دولت‌ها باقی گذارد. دو عنصر اساسی این تعهد عبارت‌اند از: ایجاد سازوکار برای جلب نظرات کودکان درباره تمامی مسائل مؤثر بر زندگی آنان و بها دادن جدی به این نظرات (CRC/C/GC/2009/12: para19). بند دوم نیز عبارت

1. Shall assure

«هرگونـه رسـیدگی قضایـی و اداری» را بسـیار موسـع در نظـر گرفته و طیـف وسـیعی از موضوعات را دربرمی‌گیرد؛ از دعاوی حقوقی چون طلاق، حضانت، فرزندخواندگی و تغییر نام تا تصمیمات قضایی در زمینه محل سکونت، مذهب، آموزش، ملیت، مهاجرت، پناهندگی و حتی تعقیب کیفری والدین؛ زیرا آثار آن بر کودکان مستقیم است. همچنین تصمیم‌گیری‌های رسمی درباره آموزش، بهداشت، برنامه‌ریزی، مسائل زیست‌محیطی، امنیت اجتماعی، حمایت از کودکان، استخدام و اجرای عدالت برای نوجوانان نیز ذیل همین عبارت آمده است (United Nations Children's Fund, 2007, p156).

ـ مفهوم ماده ۱۲ کنوانسیون بر اساس نظرات کمیته حقوق کودک

از تفسیر کمیته در تبیین ماده ۱۲ چنین برمی‌آید که مقصود از جلب نظرات کودکان به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین عنصر در تحقق تضمین دولت‌ها برای شنیدن صدای آنان، ایجاد زمینه و ابزار لازم برای ابرازنظر در تمام مسائل مؤثر بر زندگی است. این امر می‌تواند شامل فرایندها و ساختارهای مشارکتی باشد تا کودکان نظرات خود را آزادانه بیان کنند. دومین عنصر، بها دادن به این نظرات است که دولت‌ها را مکلف می‌سازد هنگام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، به شکل جدی از دیدگاه‌های کودکان استفاده نمایند؛ بدین معنا که نظرات آنان باید در فرایندهای تصمیم‌گیری اثرگذار باشد و به‌عنوان عامل مهم در ایجاد تصمیمات مربوط به حقوق کودکان، مورد توجه قرار گیرد (CRC/C/GC/2009/12: para19).

کمیته در تفسیر این ماده تصریح نموده است که دولت‌ها نباید فرض کنند کودکان قادر به اظهارنظر نیستند؛ بلکه باید توانایی آنان را در شکل‌دهی به دیدگاه‌ها مفروض دانسته و حق ابراز این نظرات را شناسایی نمایند (CRC/C/GC/2009/12: para19). از مفاد ماده ۱۲ آشکار است که هیچ محدودیت سنی برای حق اظهارنظر مقرر نشده است و کمیته، دولت‌ها را از هرگونه محدودیت سنی، چه در قانون و چه در عمل منع می‌نماید؛ چنان‌که در توصیه‌های جلسه عمومی سال ۲۰۰۴ نیز تصریح شد مفهوم کودک به‌عنوان صاحب حق، «از همان مراحل اولیه زندگی» ریشه دارد (CRC/C/GC/7/Rev.1: para 14)، تحقیقات نیز نشان می‌دهد کودک از سنین ابتدایی قادر به شکل دادن به دیدگاه‌های خود می‌باشد، حتی زمانی که هنوز امکان بیان شفاهی ندارد (Lansdown, 2005, p4). بنابراین، اجرای کامل ماده ۱۲، مستلزم شناسایی و رعایت انواع ارتباطات غیرشفاهی، مانند بازی، زبان بدن، حالت‌های صورت و ترسیم است که کودکان ازطریق آنها

انتخاب‌ها و اولویت‌های خود را بروز می‌دهند. ازنظر کمیته، کودک در هر سنی، صرف برخورداری از توانایی شکل‌دهی به عقاید، حق شنیده شدن دارد؛ هرچند برای ترتیب اثر دادن به این نظرات، دو مؤلفه سن و بلوغ در نظر گرفته شود. در همین راستا، کمیته نسبت به گزارش کشورهایی که برای شنیدن نظرات کودکان محدودیت سنی قائل شده‌اند ابراز نارضایتی کرده است؛ ازجمله در گزارش فنلاند که بی‌توجهی به نظرات کودکان زیر دوازده سال در پرونده‌های حضانت و دسترسی به دادگاه مطرح شد، توصیه گردید در صورت بلوغ کافی این کودکان، محیط مناسب برای شنیده شدن و ترتیب اثر به نظراتشان در دعاوی قضایی مهیا گردد (CRC/C/15/Add.132, paras 29-30).

۲ـ۲ـ۴. مفاد ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک

در مقاله حاضر، آزادی بیان و مفاد ماده ۱۳ کنوانسیون، به طور مستقیم، موضوع بحث نمی‌باشد، اما ازآنجاکه عقیده و مذهب بدون اظهار و بیان، قدرت شکوفایی ندارد و محل چالش قرار نمی‌گیرد، پرداختن به ابعاد مفهومی این آزادی ضروری است. بند اول ماده ۱۳ مقرر می‌دارد کودک حق آزادی بیان دارد و این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و عقاید از هر نوع و بدون مرز، کتبی، شفاهی، چاپی، هنری یا ازطریق هر رسانه به انتخاب کودک است. در این راستا می‌توان گفت حقِ دانستن، جزئی از آزادی بیان است و به عموم مردم، دید کافی و نظرات انتقادی درباره جامعه‌شان می‌دهد و آنان را به مشارکت آگاهانه در موضوعات مختلف ترغیب می‌نماید. دموکراسی نیز برای بقا، نیازمند شهروندان آگاه است و این امر مستلزم آگاه‌سازی جوانان است. جیمز مدیسون[1] می‌گوید: «یک دولت مردمی، بدون اطلاعات مردمی یا ابزارهای تهیه آن، مقدمه یک نمایش مضحک یا تراژدی یا هر دو است. دانش بر جهل غلبه دارد و مردمی که می‌خواهند حاکم خود باشند باید با قدرت دانش مسلح گردند» (University of Chicago Press, 1981, p368).

اطلاق ماده ۱۳ مبنی‌بر اعطای حق آزادی دریافت اطلاعات به کودک، گسترده به نظر می‌رسد؛ زیرا آزادی مطلق در جست‌وجو و دریافت اطلاعات می‌تواند زمینه دسترسی به محتواهای نامناسب، خشونت‌آمیز یا پورنوگرافی را نیز فراهم سازد که این خود به‌نوعی مخالف رشد و منافع کودک است. بند (ه) ماده ۱۷ کنوانسیون نیز به حمایت از کودک در برابر اطلاعات مضر و آسیب‌زا اشاره دارد که با اطلاق ماده ۱۳ ناسازگار می‌نماید. همچنین بند دوم ماده ۱۳، به محدودیت‌های

1. James Madison

آزادی بیـان کـودک پرداختـه و آن را بـه دو مؤلفـه احترام به حقـوق یا حیثیت دیگـران و حمایت از امنیـت ملـی، نظـم، سـلامت و اخـلاق عمومـی، منحصـر نموده اسـت، امـا تعریف مشـخص از این مفاهیم ارائه نکرده است؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد مفاهیمی چون امنیت، اخلاق و نظم عمومی، فرهنگ‌محور بوده و در جوامع مختلف، تعاریف متفاوتی از آنها قابل ارائه است.

ـ مفهوم ماده ۱۳ کنوانسیون بر اساس نظرات کمیته حقوق کودک

یکی از عبارت‌های جالب‌توجه در بند اول ماده ۱۳، عبارتِ حق دریافت و انتشار اطلاعات «از هـر نوع» می‌باشـد. بـه عقیده کمیته، کـودکان آگاه، امیدی برای آینده تلقی می‌شـوند و قوی‌ترین دلیل اعطای حق دریافت اطلاعات از «هرنوع» به کودک، «منطق دموکراتیک»[1] است؛ به این معنا کـه حفـظ آزادی بیـان بـه این جهـت حائز اهمیت اسـت که در یـک جامعه دموکراتیک، دسترسـی عمـوم مـردم ازجمله کودکان به اطلاعات کافی و کامل، ضروری اسـت؛ زیرا وجود این حق، فرصت کافی برای دستیابی به حقایق و درک آن و همچنین ارزیابی مسائل عمومی و درنتیجه مشارکت و قضاوت در مسائل سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌آورد (Thorgeirsdóttir, 2006, p71).

در همیـن راسـتا و در خصوص آزادی کودک در دریافت و انتشـار اطلاعـات «از هر نوع»، کمیته نیز در توصیه‌هایش به برخی دولت‌ها، نگرانی خود را دررابطه‌با ضعف مراقبتی از کودکان نسبت به مشاهده محتواهای توهین‌آمیز و مستهجن ابراز نموده است

(CRC/C/15/Add.255, 2005, paras : 40, 41; CRC/C/83/Add.1, 2001: para: 35).

کمیته حقوق کودک همچنین در مورد فقدان ضمانت اجرای قانونی برای آزادی بیان و انتشار عقایـد و اطلاعـات توسـط کودکان زیر هجده سـال ابـراز نگرانی نمـوده و آن را ناشـی از نگرش‌های سنتی حاکم بر جامعه و خانواده دانسته است و در این موارد به کشورهای عضو توصیه کرده است کـه اقدامـات مقتضـی از جمله تغییر قوانین را بـرای تأمین آزادی بیان کودک در خانواده، مدرسـه و جامعـه، اعمـال نماینـد (Thorgeirsdóttir, 2006, para: 95). درواقـع حمایـت فعـال جامعـه بـرای بیان آزادانـه عقایـد و نظرات توسـط کودک، به ارتقای جامعه نیز کمک خواهـد نمود؛ زیرا کودکانی که در ترس از انتقاد عمومی بزرگ می‌شوند، احتمالاً در آینده بر اساس نظرات و عقاید خود عمل نخواهند کـرد کـه این مـورد به صلاح جامعه نیز نخواهد بود و این مسـئله، با یکی از اهداف مصرح در اسـناد

1. The democratic rationale

حقوق بشری که ارتقای پیشرفت اجتماعی و بهبود استانداردهای زندگی بشر است در تضاد است.

شایان ذکر است توصیه مطرح‌شده توسط کمیته در این خصوص مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که در عمل با یافته‌های تجربی روان‌شناسی کودک و نتایج جامعه‌شناسی آینده‌نگر در تضاد است و برخاسته از پیش‌فرض‌های قابل ابطال می‌باشد؛ چراکه نتایج تحقیقات در این حوزه نیز نشان می‌دهد قرار گرفتن کودک در معرض انتقاد عمومی، بدون حمایت ساختاری مناسب، نه‌تنها منجر به افزایش اعتمادبه‌نفس و مشارکت اجتماعی وی نمی‌شود؛ بلکه سطح اضطراب اجتماعی را به طرز معناداری افزایش می‌دهد (Spence, 1998, pp460-462).

۳ـ۲ـ۴. مفاد ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک

ماده ۱۴ کنوانسیون به طور مستقیم به حق آزادی عقیده و مذهب کودک اشاره دارد و مهم‌ترین ماده مرتبط با این پژوهش است. این ماده با تبعیت از ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، این حق را برای همه کودکان به رسمیت شناخته است. کمیته حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ نظریه‌ای تفسیری منتشر نمود که در آن بیان شد اصطلاحات دین و عقیده باید به طور موسع تفسیر شوند تا باورهای خداباورانه، آتئیستی و الحادی را نیز دربرگیرد. این امر صرفاً به ادیان سنتی اختصاص ندارد؛ بلکه ادیان تازه تأسیس را نیز شامل می‌شود. همچنین تصریح شد این ماده هیچ محدودیتی برای آزادی اندیشه، وجدان و مذهب مقرر نکرده است و هیچ فردی به افشای باورهای خویش مجبور نمی‌گردد (CCPR/C/GC/22/Rev8: para. 2).

بند دوم ماده ۱۴، به حقوق و وظایف والدین و سرپرستان قانونی برای هدایت کودک متناسب با ظرفیت‌های روبه‌رشد او پرداخته است. تاریخچه پیش‌نویس ماده نشان می‌دهد در متن اولیه، بندی با الگو از بند چهارم ماده ۱۸ میثاق مدنی سیاسی درج شده بود که حقوق والدین و کودک را هم‌سطح قرار می‌داد، اما در نسخه نهایی حذف شد و حقوق والدین صرفاً به‌عنوان حقی جانبی و فرعی نسبت به حقوق کودک لحاظ گردید (Brems, 2006, p52). بدین ترتیب حقوق والدین در این موضوع، نه حقی مستقل، بلکه لازمه تحقق حقوق کودک قلمداد شد. همچنین بند سوم ماده نیز مانند ماده پیشین، به محدودیت‌های وارد بر آزادی عقیده و مذهب کودک اشاره دارد.

ـ مفهوم ماده ۱۴ کنوانسیون بر اساس نظرات کمیته حقوق کودک

یکی از جنبه‌های مهم حق آزادی دین، مربوط به آموزش‌های دینی است. در این خصوص،

بند دوم ماده ۵ اعلامیه لغو تمامی اشکال تبعیض بر اساس دین یا عقیده مقرر کرده است که هر کودکی حق برخورداری از دسترسی به آموزش‌های مرتبط با دین یا عقیده مطابق با خواستِ والدین یا سرپرستان قانونی خود را دارد و نباید آنان را وادار به دریافت آموزشی برخلاف میل والدین یا سرپرستان قانونی‌شان نمود. اصل محوری در این راستا نیز منفعت کودک است که باید مورد توجه قرار گیرد. بااین‌وجود، در نسخه اولیه ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک، حق دسترسی به آموزش دینی گنجانده شده بود، اما بعداً طی توافقی که بین مذاکره‌کنندگان، مبنی‌بر حذف تمامی جزئیات مربوط به گستره آزادی دین کودک صورت گرفت، این بخش کنار گذاشته شد. اما برخی این گونه استنتاج نموده‌اند که ازآنجاکه دلیلی برای تمایل به حذف این حق توسط مذاکره‌کنندگان وجود ندارد، متن اولیه را می‌توان به عنوان نشانه‌ای تفسیر نمود که تدوین‌کنندگان، این حق را نیز در ماده مفروض دانسته‌اند (Brems, 2006, p48).

۳ـ۴. مفهوم حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب در نظام حقوقی اسلام

اصطلاح «حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب» در نظام حقوقی ایران به طور مستقل و مجزا مورد بحث واقع نشده است، اما با واکاوی مبانی حق آزادی عقیده و مذهب در نظام حقوقی اسلام، مفهوم و گستره این حق و همچنین وجوه تغایر آن با تفاسیر کمیته حقوق کودک، قابل تبیین است.

۱ـ۳ـ۴. آزادی پذیرش عقیده و مذهب در اسلام

ازنظر اسلام، آزادی عقیده، حق طبیعی هر انسانی است و هر فرد می‌تواند آزادانه هر عقیده یا مرامی را برگزیند. اسلام از آغاز، افراد را در انتخاب عقیده آزاد گذاشته تا با مطالعه و تحقیق، دین خود را انتخاب کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۴، ص۲۴۴ـ۲۴۶). عقیده‌ای که بر تفکر و اندیشه استوار و موجب کمال انسان گردد، مورد حمایت دین است؛ اما عقیده‌ای که بدون تفکر شکل گیرد، نه‌تنها سودمند نیست، بلکه برای فرد و جامعه زیان‌بار است (مطهری، ۱۳۸۹، ج۳، ص۲۲۴). در اسلام تأکید شده است که انسان باید بیندیشد و با فهم خویش عقایدش را شکل دهد. تحمیل عقیده با اجبار، نه ممکن است و نه مشروع؛ زیرا عقیده، ریشه در آزادی فکر دارد و اندیشه انسان بر دلیل استوار است؛ بنابراین نه فرد می‌تواند عقیده‌ای را بر خود تحمیل کند و نه دیگران بر او (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص۱۷۶). این امر بیانگر احترام اسلام به آزادی عقیده انسان است. ازجمله مستندات قرآنی آزادی انتخاب دین، می‌توان به سه آیه اشاره نمود:

- آیه ۲۵۶ سوره بقره: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ...﴾ که دلالت بر نفی اجبار در پذیرش دین دارد. مفسران آورده‌اند ایمان از امور قلبی است و اجبار در آن راه ندارد. خداوند پس از نفی اجبار با عبارت ﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ بر روشنی راه سعادت تأکید می‌کند (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج۳، ص۳۷). «لا» در این آیه، نفی جنس بوده و شامل همه اشکال اجبار است (شاذلی، ۱۴۱۲، ج۱، ص۲۹۱). بنابر این آیه، راه سعادت و شقاوت، روشن و اختیار برای انسان محفوظ است؛ بااین‌حال توجه به این نکته ضروری است که مقدمات اجرایی شدن یک انتخاب آزاد، می‌بایست در کودکی فراهم گردد؛ به این معنا که والدین موظفند بسترهای مناسب برای ایجاد باورهای صحیح و برحق را برای کودک مهیا کنند تا کودک در بزرگسالی بنابر گزاره‌های تربیتی صحیح و قبل از اسارت با باورهای باطل، به طور آزادانه انتخابگری نماید.
- آیه ۹۹ سوره یونس: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾.[1] این آیه، اصل آزادی اراده را بیان می‌کند و تهمت اجبار در اسلام را نفی می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۴، ص۳۷۹). اجبار به ایمان، با سنت امتحان الهی منافات دارد؛ زیرا امتحان در بستر آزادی معنا می‌یابد (مدرسی، ۱۳۷۷، ج۴، ص۳۷۹).
- آیه ۳ سوره انسان: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾. این آیه، آزادی اراده و اختیار را اثبات می‌کند؛ زیرا شکر یا کفر در گرو انتخاب آزاد است. علاوه بر این، ازنظر عقل نیز اجبار در عقیده، محال است. بنابراین جوامع اسلامی نه‌تنها دین اسلام را تحمیلی نمی‌دانند، بلکه نقض آزادی و کرامت انسان‌ها در نظام سرمایه‌داری را نقد می‌کنند و همواره منتقد این سلطه‌اند. بااین‌حال لازم است میان «اعتقاد قلبی» که در حیطه آزادی وجدانی انسان قرار دارد و «التزام عملی» به احکام دینی که به معنای بروز بیرونی دین در رفتارهای اجتماعی است، تفکیک قائل شد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ص۲۲۷). در حوزه تقنین و اجرای احکام شرعی، دولت می‌تواند بنابر مصالح عمومی و در راستای رشد جمعی، برخی التزامات عملی را لازم‌الاجرا تعیین نماید، اما این الزام به معنای اجبار در پذیرش قلبی آن عقاید نیست. این تفکیک، در برخی از اسناد بین‌المللی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است؛ چنان‌که بند اول ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح نموده است که:

۱. اگر پروردگار تو اراده می‌کرد همه مردم روی زمین ایمان می‌آوردند.

هرکس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد، اما در بند سوم همان ماده اشاره کرده است که آزادی ابراز عقیده و مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آنچه که منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد. اما چنانکه در بخش اول مقاله گفته شد، رویکرد کنوانسیون حقوق کودک و توصیه‌های کمیته حقوق کودک به جمهوری اسلامی، خلاف ذیل ماده ۱۸ میثاق است.

۲ـ۳ـ۴. آزادی تغییر عقیده و مذهب در اسلام

بنابر احکام اسلامی، ارتداد جرم است و برای آن کیفر مقرر شده است. در اینجا پرسش آن است که آیا جرم‌انگاری تغییر دین، نفی اختیار انسان در انتخاب دین است؟ و آیا حق آزادی عقیده و مذهب کودک با این حکم منافات دارد؟

برای پاسخ به این سؤال، توجه به دو نکته ضروری است: اولاً قدرت تغییر دین، مصداق آزادی دینی است، اما باید میان آزادی تکوینی و تشریعی تفکیک نمود؛ بدین معنا که خداوند انسان را مختار آفریده است و او می‌تواند دین‌دار یا بی‌دین شود، اما همه انتخاب‌ها به طور مطلق مطلوب شارع نیست. اراده تشریعی، تنها گزینش حق را می‌پسندد و انتخاب باطل، مشمول عقاب است. جرم‌انگاری ارتداد درباره کسانی است که در عقاید حق تردید، و آن را ترویج و تبلیغ می‌کنند و موجب تشکیک در عقاید دیگران می‌شوند؛ اما درباره افرادی که اعتقادشان سست شده و آن را منتشر نمی‌سازند جرم‌انگاری نشده است (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص۳۱۱ و موسوی اردبیلی، بی‌تا، ص۷۹). در این راستا توصیه شده است این افراد دوباره به تفکر در مسیر حق دعوت شوند (حلّی، ۱۴۲۰، ج۲، ص۱۹۰). درنهایت، در حوزه فکر و عقیده تسلطی نیست و فرد آزاد به انتخاب است. بنابراین سوءنیت، عنصر اصلی ارتداد است و صرف تردید یا تغییر عقیده، بدون تبلیغ، مسئولیت کیفری ندارد. ثانیاً بنابر نظرات فقها، عقل، بلوغ و اختیار، شرط تحقق ارتداد است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج۱۵، ص۲۲؛ حلّی، ۱۴۰۸، ج۴، ص۱۷۰ و نجفی، ۱۴۰۴، ج۴۱، ص۶۰۹) و حکم ارتداد درباره صغیر جاری نیست؛ بلکه تنها درباره فرد بالغ و دارای ادراک عمیق مسائل، قابل طرح است. ثالثاً درباره کودک، تربیت مذهبی و بسترسازی برای انتخاب صحیح دین و پیشگیری از گرایش به ارتداد، وظیفه متولیان تربیت و از حقوق مسلم کودک است و حتی در صورت ارتداد والدین نیز حکومت اسلامی باید حق کودک بر تربیت صحیح را تضمین نماید.

بر اساس مطالب فوق و معناشناسی آزادی و ارتباط آن با مفهوم آزادی پذیرش عقیده و ابراز عقیده می‌توان گفت در اسلام، تحمیل عقیده عقلاً و شرعاً جایز و امکان‌پذیر نیست و درعین‌حال، نسبی بودن حقانیت عقاید متعدد ازنظر منطق عقلانی اسلام مطرود است و صرفاً مذهب و عقایدی که حقانیت آن مبتنی بر استدلال عقلی باشد قابلیت تبلیغ و نشر را دارد و اساساً آزادی نشر عقاید باطل و مضر، درواقع عقلانی نیست؛ بنابراین، متولیان تربیت کودک مسلمان موظفند نسبت به تربیت اعتقادی کودکان و نوجوانان اهتمام بورزند و عرصه انحراف فکری را برای آنان، با شعار «آزادی عقیده» (موردنظر کنوانسیون کودک) تمهید نکنند.

۳ـ۳ـ۴. حق کودک بر تربیت دینی و رابطه آن با مفهوم آزادی عقیده و مذهب در اسلام

بنا بر نظر برخی از اندیشمندان، حق تعلیم‌وتربیت، از مصادیق حق حضانت به شمار می‌آید و از حقوق مشترک کودک و والدین است. ولی حق کودک بر حق والدین غلبه دارد؛ زیرا مصلحت کودک در این حق، مقدم بر مصالح والدین است (البدران، بی‌تا، ص۵۴۳ـ۵۴۴). اما دیدگاه دقیق‌تر آن است که حق کودک بر تربیت دینی، در تضایف با تکلیف والدین و سایر متولیان تربیت کودک است و والدین کودک در جهت‌دهی به فطرت توحیدی و هدایت کودک به‌سوی فلاح و سعادت، عهده‌دار مسئولیت خطیری هستند (انصاری، ۱۳۹۱، ص۴۷۴).

ازجمله مستندات قرآنی وظیفه‌مندی والدین در تربیت دینی کودک، آیه وقایه است؛ چنان‌که آیه ۶ سوره مبارکه تحریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ...﴾. کلمه ﴿قُوا﴾ جمع امر حاضر از مصدر وقایه است و مفهوم «وقایه» در لغت به معنای «منع و حفظ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۵، ص۴۰۱) و صیانت از خطر است. «وقود» هر چیزی است که با آن آتش را بگیرانند؛ چه آتش هیزم و چه مانند آن، و مراد از کلمه نار، آتش جهنم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۹، ص۵۶۰). اما در اینجا واقی و حفظ‌کننده همه اعضای خانواده، با محوریت پدر و مادر هستند. مصون و حفظ‌شونده، خود و اعضای دیگر خانواده، مانند فرزندان هستند و مراد از مصون‌عنه یا همان عامل آسیب و خطر، آتش جهنم و عذاب الهی است. درحقیقت، حفظ از آتش جهنم، یعنی صیانت از عواملی که ما را به عذاب الهی مبتلا می‌کند؛ ازاین‌رو مقصود از مصون‌عنه، صیانت از عوامل عذاب‌آفرین است؛ یعنی باید اهل خویش را از عواملی که موجب عذاب الهی می‌شود، حفظ و نگهداری کرد (اعرافی، ۱۳۹۶، ص۳۹).

از امام صادق ﷺ روایت شده است که می‌فرمایند: هنگامی که آیه ششم سوره تحریم نازل شد، مردم گفتند: یا رسول‌الله! چگونه خودمان و اهل و عیالمان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ حضرت فرمودند: خودتان کارهای خیر انجام بدهید و خانواده خود را به کارهای خوب تذکر بدهید. آنها را بر اطاعت و عبادت خداوند تأدیب و تربیت کنید (نوری، ۱۳۶۸، ج۱۲، ص۲۰).

بنابر این آیه شریفه، والدین موظف به تربیت دینی کودک و آموزش مسائل دینی و اخلاقی به او هستند و این وظیفه در راستای تأمین مصالح والدین، کودک و جامعه است و حتی می‌توان به طور تلویحی بر این امر اذعان نمود که اهتمام بر انجام این تکلیف، تأمین آزادی کودک را نیز در پی خواهد داشت؛ زیرا کودکی که در معرض انواع گمراهی‌های ناشی از تبلیغات و شبهه‌افکنی‌ها و جهت‌دهی‌های عامدانه در جامعه قرار دارد، با هدایت خانواده و تربیت دینی و اخلاقی صحیح آنان در سنین خردسالی می‌تواند در سنین بالاتر انتخاب آگاهانه‌ای داشته باشد و بر اساس عقل و منطق، به طور آزادانه انتخاب نماید. به حکم عقل نیز دفع ضرر احتمالی واجب است و نمی‌توان کودکی را که در سنین خردسالی، فاقد قدرت تشخیص است، در میان انبوهی از گزاره‌های حق و ناحق رها نمود و این بی‌تفاوتی، خود به‌نوعی سالب آزادی کودک است.

۴ـ۳ـ۴. حق کودک بر تربیت دینی و رابطه آن با مفهوم آزادی عقیده و مذهب در قوانین

۱ـ۴ـ۳ـ۴. اصل ۱۲ قانون اساسی و ماده واحده مصوب ۱۳۱۲

حقوق ایران نیز به پیروی از فقه اسلامی، تربیت مذهبی کودک را به رسمیت شناخته و بنابر اصل ۱۲ قانون اساسی، همچنین ماده‌واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب ۱۳۱۲، انتخاب نوع تربیت کودک، بر عهده والدین وی قرار داده شده است.

مبنای فقهی قوانین فوق این است که باوجود آنکه همه انسان‌ها بر فطرت توحیدی متولد می‌شوند، ولی طبق احکام شرعی، کودک مسلمان‌زاده، مسلمان فرض می‌شود و کودک کافرزاده، کافر تلقی می‌گردد؛ لذا دولت اسلامی موظف است در مقام تعلیم‌وتربیت عمومی کشور، بنابر مصالح عمومی و دین رسمی کشور، آموزش دینی مبتنی بر مذهب اسلام را در اختیار آحاد مسلمان و کودکان‌شان برنامه‌ریزی و اجرا نماید، ولی در مورد فرزندان اقلیت‌های مذهبی و غیرشیعیان نمی‌تواند آنان را اجبار به بهره‌مندی از آموزش مذهب شیعی نماید؛ زیرا بنابر قاعده التزام، برخی از حقوق اقلیت‌های مذهبی، متناسب با قواعد دین و آیین متبوعشان به رسمیت شناخته شده است

و ازجمله، دولت اسلامی بایستی حق آموزش دینی طبق خواست والدین را برای کودکان به رسمیت بشمارد. البته برخی از فرقه‌های عقیدتی، مانند فرقه بهائیت، به دلایل منطقی، از این امر مستثنی هستند و تفصیل این بحث در محدوده این مقاله نیست و در مقاله دیگری قابل پژوهش است.

۲ـ۴ـ۳ـ۴. سند ملی حقوق کودک مصوب ۱۴۰۰

امر تربیت دینی و اخلاقی کودک در سند ملی حقوق کودک مصوب ۱۴۰۰ نیز که مبنای معرفی و تبیین جایگاه کودک و نوجوان در نظام جمهوری اسلامی ایران است مورد توجه قرار گرفته و ماده ۸ سند مذکور که به حقوق فرهنگی، آموزش و تربیتی کودک اختصاص داده شده است، تربیت و آموزش صحیح را در زمره حقوق کودک و نوجوان برشمرده و مسئولیت آن را نیز بر عهده والدین یا سرپرست قانونی و نیز دولت قرار داده است. همچنین یکی از ابعاد این آموزش که به جهت تأکید سند فوق‌الذکر می‌توان آن را از ارکان مهم آموزش و تربیت کودک تلقی نمود، تربیت اخلاقی و معنوی کودک است که شامل موارد ذیل می‌شود:

- تأمین سلامت معنوی، تقویت شناخت و ایمان به خداوند، آموزش قرآن و اعتقادات و تثبیت آموزه‌های دین اسلام
- شناخت و تقویت فضایل اخلاقی مبتنی بر تقوای الهی و مصونیت از انحرافات اعتقادای و ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی
- آموزش احکام و آداب زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های دینی
- کسب مهارت‌های لازم برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه همراه با احترام به ارزش‌های مذهبی و ملی
- شناخت ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به محیط‌زیست و استفاده بهینه از آن

نکته قابل‌توجه در این سند آن است که در بند ۲ ماده ۸ خود، برخلاف رویه کمیته که قائل به آزادی مطلق در دسترسی به اطلاعات توسط کودکان است، دولت را موظف به ارائه اطلاعات مناسب، به‌ویژه اطلاعات مربوط به سلامت جسمی، روانی و رشد اخلاقی و معنوی متناسب با سطح درک خویش ازطریق حمایت از تولید محصولات علمی و فرهنگی برای کودکان، و تأسیس و حمایت از کتابخانه‌ها و مراکز پرورش و رشد کودک و نوجوان و بهره‌گیری از ظرفیت مساجد و دیگر مراکز دینی در راستای تأمین حقوق تربیت آنان نموده است.

بنابراین، بر اساس مفاد سند ملی، آزادی عقیده و مذهب مذکور در کنوانسیون حقوق کودک، درصورتی‌که مخالف با تربیت و رشد کودک و مغایر با موازین دینی اسلام نباشد، مانعی برای به اجرا درآمدن ندارد و در غیر این صورت مشمول حق شرط دولت ایران در پذیرش کنوانسیون حقوق کودک خواهد بود.

در مقام جمع‌بندی و در مقام مقایسه می‌توان گفت مباحث مطرح‌شده در خصوص حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب و همچنین لزوم توجه به تربیت دینی وی در نظام فقهی ـ حقوقی ایران، بیشتر رنگ الهی دارد، اما روح حاکم بر کنوانسیون و توصیه‌های کمیته حقوق کودک، بیشتر مبتنی بر مبانی سکولاریسم و لیبرالیسم است. درحقیقت می‌توان گفت در اسلام، تربیت کودک در راستای «عبودیت الهی» و آزادی از قیود مادی، بسیار حائز اهمیت بوده و نظام حق و تکلیفی، بر این مبنا تنظیم گشته است. برخلاف کنوانسیون که تربیت انسان علی‌الظاهر «رها از هرگونه قید» و آزاد در عقیده و مذهب در یک نظام دموکراسی مورد تأکید است، ولی درواقع، تربیت بنده‌ای مطیع در نظام سرمایه‌داری، مطمح نظر بوده و کلمه آزادی در این دو دیدگاه، کاملا متفاوت است. لذا مفاد ماده ۱۴ کنوانسیون را نمی‌توان بدون حق شرط ایران بر عدم مغایرت با قوانین شرعی اجرا نمود.

در راستای تأیید مباحث مطرح‌شده، به نمونه‌هایی از مواضع برخی کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی اشاره می‌گردد:

الف) دولت اردن رسماً اعلام کرده است که خود را ملزم به مفاد ماده ۱۴ کنوانسیون نمی‌داند؛ چراکه اعطای حق انتخاب آزادانه مذهب به کودک را مغایر با احکام شریعت اسلامی می‌شمارد.[1]

ب) دولت عراق ضمن پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک اعلام کرده است که نسبت به ماده ۱۴ این کنوانسیون، حق شرط دارد؛ زیرا اجازه تغییر دین دادن به کودک، مخالف مقررات شریعت اسلامی است. این تصریح، بیانگر همان نگرانی است که آزادی بی‌قیدوشرط مذهب کودکان با آموزه‌های تربیت دینی در اسلام تعارض دارد.[2]

1. United Nations. (1991). *Convention on the Rights of the Child: Declarations and reservations (Jordan)*. United Nations Treaty Series, Vol. 1577, p3.
2. United Nations. (1994). *Convention on the Rights of the Child: Declarations and reservations*. United Nations Treaty Series, Vol. 1577, p3.

ج) دولت مصر هرچند به طور رسمی حق شرط خاصی نسبت به ماده ۱۴ اعلام نکرده، اما قوانین داخلی آن به‌وضوح با آزادی بی‌قیدوشرط تغییر مذهب کودک مخالف است. به‌عنوان‌نمونه، طبق اصول شریعت در حقوق مصر، اگر یکی از والدین مسلمان شود، فرزندان خردسال خانواده، خودبه‌خود مسلمان محسوب می‌شوند و اجازه پیروی از دین سابق خانواده را ندارند. دیوان عالی این کشور نیز حکم داده است که در صورت اسلام آوردن پدر یا مادر، کودکان باید مسلمان شوند و نیازی به اعلام انتخاب مذهب هنگام بلوغ ندارند. این سازوکار عملاً امکان انتخاب یا تغییر دین آزادانه مذهب را از کودک سلب می‌نماید.[1]

مواضع کشورهای فوق، مؤید مفاد سند ملی جمهوری اسلامی ایران است و باتوجه‌به مطلب بعد (توصیه‌های کمیته حقوق کودک به دولت ایران)، تغایر مفهومی حق کودک بر آزادی عقیده و مذهب با مبانی فقهی و قوانین جامعه اسلامی ایران، آشکارتر می‌شود و ضرورت تأکید بر حق تحفظ و شرط کلی ایران در الحاق به این کنوانسیون نیز معلوم می‌گردد.

۵ـ۳ـ۴. توصیه‌های کمیته حقوق کودک به دولت جمهوری اسلامی ایران

نظر به اینکه مفهوم آزادی عقیده و مذهب ازنظر کنوانسیون، با مفهوم آن در نظام اسلامی متفاوت است، به نظر می‌رسد که حق شرط ایران در الحاق به این کنوانسیون می‌تواند مانع از متهم شدن دولت به نقض کنوانسیون حقوق کودک باشد و حال آنکه توصیه‌های کمیته حقوق کودک به دولت جمهوری اسلامی ایران حاکی از چالش‌های حقوقی است که در ادامه مطلب تبیین خواهد شد.

کمیته در توصیه‌های خود به دولت جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است که این کشور عضو، تصمیم‌ها و اقدامات مؤثری را برای جلوگیری و حذف تبعیض‌های دینی جهت استیفای تمامی افراد از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در همه شئون زندگی شهروندی اتخاذ نماید و جهت لغو قوانین تبعیض‌آمیز و تصویب قوانین جدید، اقدامات مقتضی ازجمله برگزاری دوره‌های آموزش عمومی برای مبارزه با نابردباری دینی به عمل آورد (CRC/C/15/Add.123, para. 36). همچنین در بررسی گزارش دوم این کشور، مجدداً نگرانی خود را از عدم تحقق آزادی دینی در این کشور ابراز نمود و مقرر داشت که اعضای اقلیت‌های دینیِ غیررسمی، همچنان تحت تبعیض قرار دارند و از

1. Committee on the Rights of the Child. (2001). *Consideration of reports submitted by States parties under Article 44 of the Convention*: Egypt.

حقـوق برابـر بـا اعضـای اقلیت‌های دینیِ رسـمی برخوردار نیسـتند و پیرو آن بیان داشـته اسـت که گزارش‌های به‌دست‌آمده از برخی اقلیت‌ها، به‌ویژه «بهائیان»، حاکی از آزار و اذیت، تهدید و یا حتی بازداشـت آنـان به دلیل باورهای دینی‌شـان می‌باشـد که ایـن موضوع، نگران‌کننده اسـت. در ادامه توصیه نموده است که دولت ایران برای جلوگیری و از بین بردن تبعیض‌های دینی و مذهبی، تدابیر مؤثری ازجمله تصویب و یا لغو قوانین و اقدامات مناسب دیگر، همچون برگزاری دوره‌های آموزشی عمومـی بـرای مبـارزه با نابردبـاری دینی اتخاذ نماید. کمیتـه در انتهای توصیه‌هـای خود این گونه بیان کرده اسـت که دولت در این خصوص اطمینان حاصل نماید که اعضای اقلیت‌های دینی، به دلیـل دیـن و باورهـای خود، مورد بدرفتاری یا بازداشـت قرار نمی‌گیرند و دسترسـی بـه آموزش برای فرزندان آنها بر پایه برابری با سایر افراد جامعه فراهم گردد (CRC/C/15/ Add.254, paras. 41, 42).

کمیته همچنین به دولت ایران توصیه نموده است که کشور عضو، معیارهای روشنی را جهت ارزیابی سازگاری یا عدم سازگاری عمل یا بیانی خاص با موازین و تفاسیر اسلامی اتخاذ کند که این معیارها در عین حفظ حقوق کودک مبنی‌بر آزادی بیان، به‌وسیله روش‌های مناسب و متناسب، از اخـلاق عمومـی نیـز محافظت نماید. همچنیـن در ملاحظات نهایـی بعدی خود در سـال ۲۰۰۵ نیز مجدداً به این نکته اشـاره کرده اسـت که دولت عضو می‌بایسـت معیارهای واضح و روشنی را برای تعییـن سـازگاری یا عدم سـازگاری عمل یا بیانی خاص با موازین اسلامی و اصول کنوانسیون تعیین نماید تا بدین وسـیله از تفاسـیر اختیاری جلوگیری شـود (CRC/C/15/ Add.254, paras. 34, 40). علاوه بر این، کمیته تصریح نموده است که حقوق بشر کودکان نمی‌تواند به طور مستقل در جامعه ایران تحقق یابد. براین‌اسـاس، نسـبت به محدودیت‌هایی که بر روی آزادی مذهب اعمال می‌شود ابراز نگرانـی کـرده اسـت؛ چراکـه این محدودیت‌هـا، با قیود تعیین‌شـده در بنـد ۳ ماده ۱۴ کنوانسـیون هم‌خوانـی ندارنـد و در ایـن راسـتا بـه دولـت عضـو توصیـه نمـوده اسـت که ایـن حقـوق، مقید به محدودیت‌های نامعقول و نامشـخص نباشـند؛ بلکه قیودی که با اسـتانداردهای بین‌المللی سازگار هستند برای این امور در نظر گرفته شود (CRC/C/IRN/CO/3-4: Para 47).

بـر اسـاس مطالـب فـوق، به‌خصـوص توصیه‌هـای کمیته حقـوق کـودک به دولـت جمهوری اسـلامی ایـران، می‌تـوان دریافـت که ازنظـر کنوانسـیون، همه مذاهـب و عقاید دینی، اعـم از دین رسـمی کشـور و دین اقلیت‌های مذهبی و یا عقاید غیر از اقلیت‌های مذهبی، ازجمله فرقه بهائیت

برابرنـد و دولـت ایـران بایسـتی محدودیت‌هایی را که بـرای برخی از عقاید مذهبی مشـخص کرده اسـت، بردارد و محدودیت‌های معقول و متناسـب با اسـتاندارد بین‌المللی را جایگزین نماید. ارائه این گونه از تفسیر مفهوم آزادی عقیده و مذهب توسط کمیته حقوق کودک که در تغایری آشکار با مبانی دینی نظام جمهوری اسلامی و مبارزه با گسترش گمراهی توسط فرقه‌های ضاله است، حاکی از آن است که الحاق مشروط ایران به کنوانسیون کودک ازنظر این کمیته به معنای آن نیست که دولت جمهوری اسـلامی ایران می‌تواند بر اسـاس مقررات شرعی خود، فرقه‌های مختلف مذهبی را در اظهار و اشاعه عقاید باطل خود محدود نماید. درواقع ازنظر کمیته حقوق کودک، استناد به حق شرط در چنین مواردی، مخالف روح کنوانسیون است و پذیرفته نمی‌شود و این تغایر مفهومی، در عمل، چالش‌های متعدد حقوقی را برای نظامی اسلامی در پی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

باوجـود آنکه کنوانسـیون حقوق کودک را می‌توان یکی از دسـتاوردهای مهم در زمینه حقوق کودک در سـطح بین‌المللی تلقی نمود، اما در مقایسـه با نظام حقوقی ایران، مواد ۱۲ تا ۱۴ این سـند را نمی‌تـوان به‌عنـوان الگـوی مناسـبی بـرای جوامـع اسـلامی بـه شـمار آورد. مهم‌ترین وجـه تغایر کنوانسـیون بـا نظـام حقوقـی ایـران، رویکـرد مطلق ایـن کنوانسـیون به مسـئله «آزادی کـودک» و معناشناسـی آن اسـت. درواقـع ایـن کنوانسـیون، علی‌الظاهـر بـه آزادی مطلـقِ کـودک در انتخاب عقیـده و مذهـب و دسترسـی آزاد وی بـه اطلاعـات، توصیـه جـدی دارد، ولی واقعیت آن اسـت که نتیجـه ایـن توسـعه مفهومی و رهایـی مطلق و تنظیـم قوانین تربیـت عقیدتی و مذهبـی مبتنی بر توصیه‌هـای کنوانسـیون و کمیتـه حقـوق کـودک، موجـب از دسـت رفتـن فرصـت تربیـت صحیح عقیدتی و مذهبی کودک و مصالح عالی دنیوی و اخروی وی خواهد شد و با تبعیت از توصیه‌های کمیتـه حقـوق کودک و اجـرای مواد ۱۲ تا ۱۴ کنوانسـیون، مبانی فکری سکولاریسـم، بر ذهن و روح کـودک مسـلمان سـلطه خواهد یافـت و وی را از آزادی آگاهانـه در انتخاب مذهـب محروم خواهد نمود؛ به‌خصوص که سـن کودکی، طبق تعریف کنوانسـیون، در یک بازه زمانی طولانی (۱۸ سـال) تعریف شـده اسـت و ترک تربیت دینی در این دوران و ازسویی آزادی ادیان و فرقه‌های منحرف در ترویـج عقایـد باطل، موجـب تثبیت مبانی فکری سـکولار و یا انحراف و ارتداد کـودکان و نوجوانان

مسلمان خواهد شد و در نبرد تمدن اسلامی با تمدن غربی، پیروزی فرهنگی از آنِ تمدن غربی خواهد بود. لذا به نظر می‌رسد صاحب‌نظران و اصحاب رسانه وظیفه دارند در قبال گزارش‌های گزارشگران علیه ایران و اظهارنظرهای کمیته حقوق کودک و ارائه پیشنهاداتی مبنی‌بر تغییر قوانین داخلی، با ارتقای بینش و نگرش مبتنی بر فرهنگ غنی اسلامی، زمینه گفتمان‌های جهانی و ایجاد توجه جهانی به سایر نظریات مدعی تامین حقوق و سعادت کودکان و نوجوانان را فراهم نمایند و در این دوران گذارِ گفت‌وگوی تمدن‌ها، مبانی دین مبین اسلام در مورد مفهوم کودکی و نوجوانی و مفهوم آزادی عقیده و مذهب و حق کودک بر تربیت عقیدتی و مذهبی صحیح را برای نخبگان تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر سطوح کشوری تبیین نمایند و حق تحفظ کشور در الحاق به این کنوانسیون را مورد تأکید قرار دهند.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف) فارسی

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۶ش)، فقه تربیتی ۲۴ (تربیت عبادی)، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۲. انصاری، قدرت‌الله (۱۳۹۱ش)، احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸ش)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۳ش)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران: نشر سمت.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ آینده انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. ـــــــــ (۱۳۹۲ش)، نظریه‌های فقهی در باب آزادی عقیده و دین، قم: دار الاعلام.
۱۱. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (بی‌تا)، «ارتداد و نگاهی دوباره»، مجله حکومت اسلامی، ش۱۴، ص ۷۹.

ب) عربی

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین‌بن‌نجم‌الدین (۱۴۰۳ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
۳. اردبیلی، احمدبن‌محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. البدران، ابوالعینین (بی‌تا)، الفقه المقارن للأحوال الشخصیة بین المذاهب الأربعة السنیة و المذهب الجعفری و القانون الزواج و الطلاق، بیروت: دار النهضة العربیة.
۵. حلّی، ابوجعفر محمدبن‌منصور (۱۴۰۵ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۶. حلّی، جعفربن‌حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰ق)، إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.
۹. شاذلی، ابوالحسن (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۱۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی جبعی (۱۴۱۳ق)، الروضة البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة، قم: دار التفسیر..
۱۱. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۱۲. نوری، میرزا حسین (۱۳۶۸ش)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

ج) انگلیسی

1. Aisling Parkes, *Children and International Human Rights Law (the right of the child to be heard)*, Published by Routledge, 2013.
2. CCPR/C/21/Rev.1/Add.4, General Comment No. 22.
3. Cf. Lansdown G. (2005). "The Evolving Capacities of the Child", Innocenti Research Centre, UNICEF/ Save the Children, Florence.
4. Committee's General Comment No.12 (2009) on the right of the child to be heard (CRC/C/GC/2009/12).
5. Committee's General Comment No.7 (2005): Implementing Child Rights in Early Childhood, (CRC/C/GC/7/Rev.1).
6. concluding observations of the committee on the rights of the child (twenty-fourth session), Islamic Republic of Iran CRC/C/15/Add.123.
7. concluding observations on the combined third and fourth periodic reports of the Islamic Republic of Iran, (CRC/C/IRN/CO/3-4).
8. UN Committee on the rights of the Child, (CRC/C/83/Add.1).
9. Eva Brems, A Commentary on the United Nation Convention on the Rights of the Child (Article 14: The Right to Freedom of Thought, Conscience an Religion), Boston, Martinus Nijhoff Publishers, 2006.
10. Herdís Thorgeirsdóttir, A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child (Article 13 The Right to Freedom of Expression), 2006.
11. Human Rights Committee, General Comment No. 22, 1993, HRI/GEN/1/Rev.8.
12. Implementation Handbook For The Convention On The Righrs Of The Child (2007), published by United Nations Children's Fund.
13. Kamali, M. H. (2008). Freedom of Expression in Islam. Cambridge University Press
14. MacLeod, 'A Liberal Theory of Freedom of Expression for Children', (2004) 79 Chicago-Kent Law Review 55 at 67.
15. Committee on the Rights of the Child, Report on the Thirty- eighth session,Concluding observations: Islamic Republic Of Iran, March 2005, (CRC/ C/ 15/ Add.254).
16. Spence, S. H. (1998). "A measure of social anxiety in children: Validation of the Social Phobia and Anxiety Inventory for Children." Behavior Research and Therapy 36 (5): 455–468.